

ماهیت سرمایه فکری و نقش آن در توسعه مراکز آموزش عالی

حامد کرد^۱، دکتر باقر کرد^۲، عبدالباسط مرادزاده^۳، جاسم دژکام^۴

چکیده

عصر حاضر دوره اطلاعات و فناوری های مدرن نام دارد. در هیچ کدام از بخش های جوامع فرا صنعتی (فناوری اطلاعات) بخش وجود ندارد که از توسعه روز افزون فناوری ها و تغییرات آنها جامانده و از روند توسعه علمی عقب باشد. بدون تردید عمده ترین خاستگاه این توسعه مراکز آموزش عالی و بخش های زیر مجموعه آن در کشور های مختلف می باشند. توسعه علم به معنای ارتقا ظرفیت های فکری زیر ساخت های تکنولوژیک و اطلاعاتی، توسعه فراگیری آموزش و مهارت ها همچنین قابلیت های علمی میباشد که در گرو توسعه منابع انسانی یک جامعه است و در آن به عنوان ثروت یک ملت یاد می گردد. منابع انسانی دانش آموخته و متخصص در صورتی که دانش تخصصی و مهارت کافی را فرا گرفته باشند به عنوان سرمایه فکری یک کشور خواهد بود. سرمایه فکری مبحثی است که امروزه در کنار پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی یک سازمان شکل گرفته و از آنجا که این مبحث بر پایه دانش می باشند سرمایه فکری اهمیت فزاینده ای پیدا کرده است. در این مقاله هدف ابتدا بیان ماهیت و اهمیت سرمایه فکری، مدل های سرمایه فکری و سایر مباحث مربوط به سرمایه فکری پرداخته و در نهایت تاثیر آن را بر مراکز آموزش عالی ارزیابی و راهبرد هایی در جهت توسعه این مراکز با محوریت سرمایه فکری ارائه می گردد.

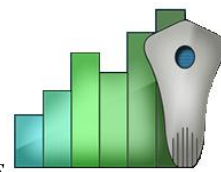
واژگان کلیدی: سرمایه فکری، مراکز آموزش عالی، دانش، مدل سرمایه فکری، دارایی های فکری پنهان

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه ولایت ایرانشهر (نویسنده مسوول)

^۲ دانشیار گروه مدیریت دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۳ عضو هیات علمی دانشگاه ولایت ایرانشهر

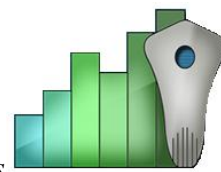
^۴ عضو هیات علمی دانشگاه ولایت ایرانشهر

**مقدمه :**

یکی از مهم ترین سازوکار ها برای توسعه مهارت آموزی، دانش نیروی انسانی نظام آموزش عالی آن کشور می باشند، به خصوص در کشور های کمتر توسعه یافته و جهان سوم که تاثیر این مساله به شدت مشا هده می گردد. علاوه بر آن آموزش عالی نه تنها می کوشد افراد را از دانش و مهارت بهره مند سازد بلکه به آنان این قابلیت و توانایی را بدهد که موجب تحول در جامعه از طرفی و از طرف دیگر ارزش ها و تفکراتی بوجود می آورد که منافع سرشاری را در راستای توسعه کشور می تواند به همراه داشته باشد. در سه دهه ی اخیر سازمان ها به شکل چشم گیری به مفاهیم و رویکردهایی از قبیل فناوری اطلاعات، تحقیق و توسعه، مسائل دانش بنیان و..... در راستای حفظ جایگاه رقابتی سازمان روی آورده اند (Canibano et al, 2000). بر همین اساس در عصر حاضر منبع ارزش اقتصادی و ثروت و خلق و مدیریت دارایی های نا مشهود است که عموماً تحت عنوان دانش یا سرمایه فکری از آن یاد می گردد. با توجه به اینکه هدف اصلی مراکز آموزش عالی تولید و اشاعه دانش و پژوهش است مدیریت دانش و رویکرد های سرمایه فکری برای آن از اهمیت بسزایی برخوردار و امری حیاتی است که اساساً ممکن است نا مشهود باشند. میزان اهمیت دارایی های نا مشهود برای فرایند خلق ارزش در تمامی سازمانها رو به افزایش است. به طوری که امروزه تقریباً ۵۰ تا ۹۰ درصد ارزش ایجاد شده توسط شرکت ها در اقتصاد جاری ناشی از مدیریت سرمایه های فکری است (Dadashi, 2010:3).

مفهوم و ماهیت سرمایه فکری :

همزمان با توسعه ارزش ها در سازمان های دانش محور، علاقه مندی وسیعی نسبت به مقوله های سرمایه فکری پدید آمد. از این رو محققین سعی در تعریف و اندازه گیری مقوله سرمایه فکری نمودند که در آن زمان (1990) غیر قابل اندازه گیری بود (قلاوندی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). در خصوص سرمایه فکری تعاریف و تعابیر زیادی ارائه گردیده است. سرمایه فکری می تواند به عنوان منبعی که: اکتسابی، رسمیت یافته و استنادی در راستای خلق دارایی های با ارزش تر در یک سازمان معرفی گردد. از طرفی سرمایه فکری بر موارد فکری مانند دانش، اطلاعات، دارایی های معنوی، تجربه، تخصص که برای ایجاد و توسعه دانش استفاده می شوند دلالت دارد. سرمایه فکری دانش موجود در سازمان است که در دو سطح فردی مانند: دانش مهارت و استعداد و سطح ساختاری مانند: پایگاه داده، فناوری، فرایند سازمانی وجود دارد (Haanes et al, 2000). در تعریفی دیگر سرمایه فکری را مجموعه از دارایی های دانش محور عنوان نموده که مختص یک سازمان است و از ویژگی های آن به حساب می آید و از طریق ارزش به صاحبان ذینفع و کلیدی سازمان، به طور قابل ملاحظه به افزایش مزیت رقابتی سازمان منجر می شود (Marr, 2004). در جایی دیگر سرمایه فکری بدین صورت تعریف شده است: مجموعه ای از دارایی های دانشی است که به یک سازمان منتسب می شود و بیشترین تاثیر در راستای ایجاد یک موقعیت رقابتی بهبود یافته در سازمان خواهد داشت (abdolmohamadi, 2005). سرمایه فکری دارای مفهوم وسیعی است که کلید دارایی ها و منابع غیر مشهود و غیر فیزیکی یک سازمان را تشکیل داده و شامل مواردی همچون: دانایی، تخصص و مهارت، کارکنان، ارزش ها، باور ها و فرهنگ همچنین زیر ساخت های سازمانی می باشد. سرمایه فکری دارای ویژگی های مختلفی است منجمله: یکی دارایی غیر ملموس برای سازمان می باشد، دوماً به شدت به دانایی و تجربه کارکنان همچنین تکنولوژی های سازمان وابسته است. سوماً باعث



ایجاد فرصت های بهتر برای موفقیت سازمان در آینده خواهید بود و چهارم این که دارایی های مالی را نمی توان جز سرمایه فکری محسوب نمود (ارباب شیرانی و دیگران، ۱۳۸۱: ۳). در بسیاری از موارد ممکن است دارایی نامشهود با سرمایه فکری به یک معنا تلقی شود در حالیکه این دو موضوع با هم متفاوت اند. دارایی های نامشهود مفهوم جامعی است که دو موضوع سرمایه فکری و دارایی های معنوی را در بر گرفته و مواردی مثل دانش و مدیریت را نیز شامل میشود. اما سرمایه فکری، مفهومی است که زیر مجموعه دارایی نامشهود است و موارد مذکور را در بر نمی گیرد. موارد دیگری نیز وجود دارد که دارای ماهیت نامشهود اند، اما بطور واضح و منطقی نمی توانند جزئی از سرمایه فکری محسوب شوند. این مساله خود بیانگر تمایز دارایی های نامشهود و سرمایه معنوی است که مبحث بسیار مهمی در سازمان ها می باشد (عطافر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶). سرمایه فکری بحث مهمی برای تنظیم اهداف و استراتژی در سازمان است. در واقع بدون تعیین و ارزیابی مناسب سرمایه معنوی، سازمان نمی تواند به شکل صحیحی ارزیابی شود و مدیریت قادر به تنظیم استراتژی نخواهد بود (Robinson et al, 1996).

اهمیت سرمایه فکری در کشورها :

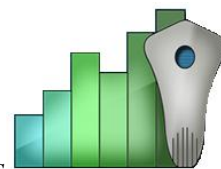
همانطور که قبلا عنوان گردید رشد سرمایه فکری در جامعه یکی از عوامل مهم توسعه پایدار برای کشورها محسوب و از دست دادن این سرمایه ها مصیبت و تهدید برای رشد و توسعه آن کشور به شمار می رود. جذب سرمایه های فکری سایر کشورها برای کشورهای توسعه یافته اقتصادی، فرصتی برای تامین نیازها محسوب می گردد. با مرور تجارب جهانی به روشنی دیده می شود که جذب سرمایه های فکری کشورها در حال رشد اقتصادی از سه بعد به این کشور آسیب می رساند:

- ۱- سلب توان و فرصت رقابت در زمینه هایی که سرمایه های فکری از آن کشور خارج می شوند.
- ۲- در گذر زمان تمایل کشورها به جذب نیروی متخصص و سرمایه های فکری افزایش می یابد.
- ۳- خروج سرمایه فکری از کشور سبب کاهش فرصت های شغلی و اشتغال برای فارغ التحصیلان دانشگاه ها و مشاغل مرتبط، در اثر خروج سرمایه های فکری می گردد (Albuero, 2002: 13).

به طور خلاصه جابجایی بی رویه و مدیریت نشده منابع انسانی و خصوصا سرمایه فکری نتایج غیر قابل قبولی، زیانبار و گاه لطمات جبران ناپذیری را بزرگ ملت و کشور تحمیل می کند. حال اگر چنین لطماتی دردنیای پیچیده ی امروز برای کشور تصور کنیم که برای بقا و پیشرفت باید ضمن هم کاری با دیگران، خود را در کوران رقابت جهانی شدن و جهانی بودن حفظ همچنین به پیش برد، درخواهیم یافت که موضوع مدیریت نیروها و سرمایه های فکری تا چه حد برای ممانعت از تحمیل هزینه های غیر ضروری، زیان آور و غیر قابل جبران ضروری است (Akrami et al, 2010: 6)

مراکز آموزش عالی و مولفه های سرمایه فکری :

یکی از مهمترین اجزای سرمایه فکری دانشگاه ها، دانایی صریح (آشکار) و ضمنی (پنهان) است که در همه بخش های مربوط به سرمایه فکری وجود داشته و تاثیر گذارند. به عبارت دیگر رشد و ارتقای مراکز آموزش عالی به تقویت توسعه و سرمایه فکری این مراکز منجر می شود. بهبود وضعیت دانایی و سرمایه فکری در این نهادها در گرو فراهم شدن زمینه ها، بسترها و عوامل متعددی است. این عوامل در سه مولفه ی اصلی به شرح: فرایندها، ساختارها و زیر بنا



ها(شرایط مهیا کننده).موسسات آموزش عالی امروزه درمقایسه با دوران گذشته با توجه به اعطای اختیارات بیشتر و فراهم شدن امکان مبادلات در سطوح ملی و بین المللی این فرصت برایشان پدید آمده تا نهاد ها هم از جنبه ی آموزش و هم پژوهش با انعطاف بیشتری عمل کنند و تولیدات علمی خود را به اشتراک گذارند. منابع با ارزش نهاد های فوق،محققین،اساتیدودانش جویان می باشند که به نوعی تولید کنندگان دانایی در این در این مراکز محسوب می گردند.همه ی این منابع جزئی از سرمایه های فکری دانشگاه ها و مذاکز عالی محسوب می گردند. ایجاد ارزش های علمی و اجتماعی توسط نهاد های مذکور در گرو شناسایی،ارزش گذاری و مدیریت سرمایه های فکری در ابعاد مختلف آن است(ارباب شیرانی و همکاران،۱۳۸۸:۹).

اجزا و چارچوب سرمایه فکری در مراکز آموزش عالی:

چند تجربه ی بین المللی مربوط به دانشگاه ها مبنای پیشنهادی برای موسسات عمومی،تغییر فرایند مدیریتی آنها و افزایش وظایف پاسخ گویی ممکن است در اصول مدیریت دولتی دریافته شود. از دهه ۱۹۸۰ دولت ها آنها را مورد استفاده قرار می دهند تا کارایی بخش عمومی و کیفیت خدمات را بهبود بخشیده و در این راستا از چارچوب سرمایه فکری پایدارتر از مدیریت نوین برای مواجهه با شناسایی نقاط ضعف و قوت ها،وضعیت واقعی فعلی و همچنین ماموریت های متفاوت دانشگاه کمک کند و به عنوان ابزار کنترل و نمایش استفاده شود (Dadashi,2010). ازطرفی سرمایه فکری بعنوان ترکیبی از منابع نامشهود و فعالیت هایی تعریف شده که به یک سازمان اجازه می دهد تا با یک توده از منابع انسانی،مالی و مواد اولیه به یک سیستم توانمند ارزش آفرین ذینفع انتقال یابد . سرمایه فکری اغلب به عنوان ترکیبی از سه مولفه اصلی و اساسی مرتبط به هم به شرح ذیل می باشند (Yoland,2007:374):

۱. **سرمایه انسانی** : مجموعه ای از دانش ضمنی و صریح پرسنل جذب شده دانشگاه ها از طریق فرایند آموزشی رسمی و غیر رسمی و بالفعل شکل گرفته در فعالیتهای آنهاست.

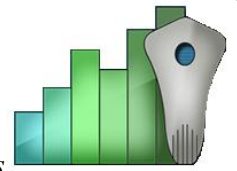
۲. **سرمایه ساختاری** : دانش آشکار و روشن مربوط به فرایند درونی اشاعه و برقراری ارتباط و مدیریت دانش فنی و علمی در سازمان است.

۳. **سرمایه رابطه ای** : اجتماع مجموعه وسیعی از ارتباطات درونی،اقتصادی،سیاسی و نهادی حفظ شده و توسعه یافته در دانشگاه هاست.

الگوها و مدل های سرمایه فکری :

پژوهشگران متعددی تلاش کرده اند سرمایه فکری را طبقه بندی و مدلهایی برای آن تعیین کنند.در ادامه به چند مدل سرمایه فکری و اجزای تشکیل دهنده آن اشاره میگردد(عطافر و همکاران،۱۳۸۹:۲۷).

۱. **مدل بانک امپراطوری کانادا** : این مدل را "سینت" ارائه داده که در آن به دو بعد دانش و تاکتیک اهمیت زیادی داده و دانش تاکتیکی را با توجه به سرمایه فکری تعریف میکند.این مدل سرمایه فکری متشکل از سه عنصر: سرمایه انسانی،سرمایه مشتری و سرمایه ساختاری میباشد.



۲. مدل تکنولوژی بروکر: این مدل توسط "بروکینگ" مطرح شد که در آن ارزش بازار یک شرکت در نظر گرفته شده و آنرا برابر با مجموع ارزش دارایی های مشهود و سرمایه معنوی شرکت میدانند. در این مدل سرمایه فکری به چهار بخش تقسیم میشود که عبارتند از:

الف. دارایی های بازار (وفاداری مشتریان، کانال های توزیع، حق فروش ها)

ب. دارایی های انسانی (تجربیات، توان مدیریتی، خلاقیت و ...)

ج. دارایی های معنوی (حق تالیف، دانش فنی، اختراع و ...)

د. دارایی های زیربنایی (تکنولوژی ها، روش ها و فرایندهایی که به سازمان اجازه فعالیت میدهد)

۳. مدل عقلایی: این مدل توسط مجمع تحقیق دانش هوشمند در سال ۲۰۰۳ ارائه شده که در این مدل سرمایه فکری در پنج بخش تعریف میشود که شامل: سرمایه انسانی، سرمایه سازمانی، سرمایه تکنولوژی، سرمایه تجاری و سرمایه میباشند.

۴. مدل کارت امتیاز متوازن (BSC): این مدل مشهورتر از سایر مدل ها در این زمینه است، هرچند گرایش اصلی آن بررسی سرمایه فکری نبوده است. این مدل توسط "کاپلان و نورتون" در بین سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۲ توسعه یافت. در این مدل گروهی از شاخص ها را که با دیدگاه و استراتژی شرکت ادغام شده اند در نظر گرفته میشود. هر یک از شاخص ها رابطه علی و معلولی را ایجاد میکنند. چهار جنبه در هر شاخص در این مدل مدنظر است که عبارتند از: جنبه های مالی، مشتری، تجاری داخلی و جنبه یادگیری و رشد.

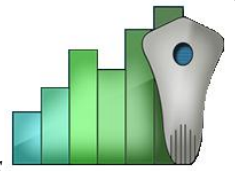
در ادامه به معرفی یک الگوی سرمایه فکری و مشخصه های آن در دانشگاه میپردازیم. مدل های مدیریت سرمایه فکری، یک روش شناسی کارآمد در شناسایی مدیریت و دانش اشاعه یافته را فراهم نموده که بیانگر روشی "پیش بین" در بهبود مدیریت داخلی و شفافیت در دانشگاه هاست. معیارهای اندازه گیری خط مشی و تشویق موسسات پژوهشی و دانشگاه ها در ارزیابی و مدیریت سرمایه فکری شان نیاز دارند. مدل سرمایه فکری دانشگاه مادرید یکی از مدل هایی است در مراکز آموزش عالی مورد استفاده قرار میگیرد. این مدل بر آورد مهمترین متغیرهای سرمایه فکری برای سازمانهای مورد مطالعه را هدف قرار داده و فعالیت پژوهشی انجام شده بوسیله این نهادها در نتیجه استفاده سرمایه فکری آنها مورد توجه قرار میدهد. در این مدل با سه سطح از شاخص های سرمایه فکری به ارزیابی و مدیریت فعالیتهای پژوهشی مراکز آموزش عالی پرداخته میشود. این سه سطح عبارتند از:

۱. شاخص های سطح اول: این شاخص ها ارزشهای مطلق، واضح و کاملاً شفاف اند و بر ایده جهانی تلاش پژوهشی اشاره دارند.

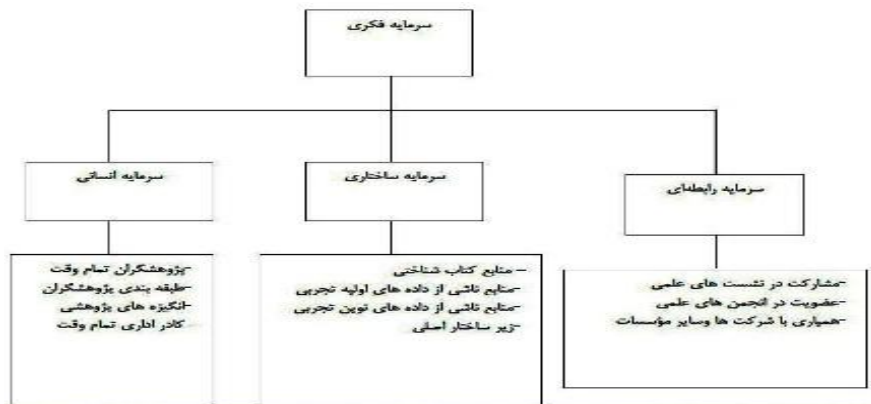
۲. شاخص های سطح دوم: ارزشها با نسبت های تشریح کننده ایده بالقوه موجود.

۳. شاخص سطح سوم: این شاخص ها بصورت درصدی در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی تشریح شده اند.

ساختار سرمایه فکری برای فعالیت پژوهشی در دانشگاهها و سازمانهای پژوهشی در جامعه مادرید در نمودار ۱ نشان داده شده است.



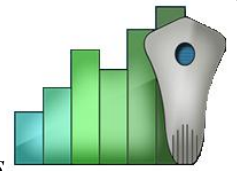
نمودار ۱: مدل سرمایه فکری دانشگاه مادرید



بطور خلاصه این مدل سعی بر آن دارد که : رابطه علی و معلولی بین ورودی ها و خروجی ها در درون فرایندهای پژوهشی تقویت کند، ویژگیهای کلی فرایندهای پژوهشی در این سازمان ها را تثبیت کند و همچنین روشهایی در مدیریت ورودی های سرمایه فکری مطرح کند تا خروجی های پژوهشی در دانشگاهها، مراکز آموزش عالی و مراکز پژوهشی بهبود یابد (Dadashi, 2010: 4-6).

بحث و نتیجه گیری :

مدیریت سرمایه های فکری نیازی است که در جهان رقابتی امروز بیش از پیش ملموس و مبدل به شاه کلید رشد، توسعه و بهره گیری بهینه سرمایه فکری گردیده است. در این مقاله که با مطالعه و بررسی سایر پژوهش های معتبر در زمینه سرمایه فکری انجام شده است، به روشنی می توان عنوان نمود که دارایی ها و سرمایه فکری هر سازمانی با توجه به ماهیت آن سازمان مخصوص همان سازمان می باشد. دانشگاهها نیز از این قاعده مستثنی نمی باشند و بر اساس محیط خاص، نوع مالکیت، اهداف و ... ابزارها و مدلهایی برای ارزیابی دارایی های نامشهود خود را باید تعریف نمایند. بر همین اساس در راستای مدیریت هر چه موثرتر سرمایه های فکری در مراکز آموزش عالی مواردی همچون : " ایجاد مراکز توسعه سرمایه فکری در دانشگاه در راستای هدفمند تر شدن بحث مدیریت سرمایه فکری در دانشگاه " ، " توجه ویژه مسوولان دانشگاه به مباحث سرمایه فکری به عنوان اصلی ترین عامل تولید دانش و اقتصاد دانایی محور در جامعه " ، " تقویت ساختارهای داخلی دانشگاه در راستای بهبود مدیریت سرمایه های فکری " ، " ایجاد یک مرکز ملی توسعه سرمایه فکری جهت ارتباط دانشگاهیان و تبادل نظرات مختلف در این زمینه " ، همچنین در نهایت " توجه به تحولات بین المللی در زمینه آموزش عالی در این زمینه و سوق دادن فعالیتهای دانایی محور دانشگاه به سمت آن " ؛ پیشنهاد میگردد.



منابع

- قلاوندی، حسن. پاشازاده، یوسف. سلطانزاده، وحید. ثقفی، پریناز. "تعیین رابطه مولفه های یادگیری سازمانی بر اساس ابعاد سرمایه فکری در میان اعضای هیات علمی دانشگاه ارومیه". اولین کنفرانس ملی روکرد سیستمی. ۱۳۹۰. شیراز.
- ارباب شیرانی، بهروز. عباسی، محمد حسن. "سرمایه های فکری دانشگاهها از دیدگاه مدیریت دانایی". نخستین کنفرانس بین المللی سرمایه فکری. ۱۳۸۸. زنجان
- ارباب شیرانی، بهروز. عباسی، محمد حسن. "مدیریت سرمایه های فکری: نیاز دانشگاه ها در عصر دانایی". همایش توسعه مبنی بر دانایی. ۱۳۸۱.
- عطافر، علی. علینقیان، نسرین. "مروری بر مدل های اندازه گیری سرمایه فکری". نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، سال ششم شماره ۲۰، ۱۳۸۹.

- Canibano, L. and M, Paloma Sanchez. "Intangibles in universities: Current Challenges for measuring and reporting", Journal of Human Resource Costing & Accounting, Vol 13.No2, 2000.
- Alburo, Florian A., Danilo I. Abella "Skilled Labour Migration from Developing Countries: Study on the Philippines". International Migration Programme, International Labour Office, Geneva, 2002.
- Akrami, Faramarz. Naghipour, Parviz. "Challenges ahead and Intellectual Capital Management, emigration". International conference on intellectual capital management. Zanjan-Iran. 2010
- Yolanda, Ramirez and Carme, Lorduy and Jose, Antonio Rojas. "Intellectual Capital management in Spanish universities." Journal of Intellectual capital, Vol. 8.No.4, 2007
- Abdolmohamdi, mohamad. "Intellectual capital disclosure and market capitalization". Journal of Intellectual capital, Vol 6.No 3. 2005.
- Kanan, Gopica and Albur, G. Wilfried. "Intellectual property measurement effectiveness". Journal of Intellectual capital, Vol 5.No 3. 2004.
- Robinson, G. H., Kleiner Brian. "How to measure an organization's Intellectual capital". Managerial Auditing journal, 11/8. 1996.
- Dadashi khas, esmaeil. Babaei, Fahimeh. "The model of intellectual capital management in universities". International conference on intellectual capital management. Zanjan-Iran. 2010.
- Haanes, K. and Lowendahl, B. The unit of activity: towards an alternative to the theories of firm, in Thomas, H. et al, strategy, Structure and style, John Wiley & Sons, New York, 2000.
- Marr, B. "Measuring and Benchmarking Intellectual" Benchmarking an international Journal, Vol. 11, No. 6, 2004.